

دانایی و نیکی بغانی

زهره زرشناس

استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارمغانی برای او که بدر آسمان دانایی است

بیشتر آثار برجای مانده از زبان سعیدی^۱ دینی و متأثر از ادیان بودایی، مانوی، و مسیحی است. به همین سبب، متن‌های سعیدی را به سه گروه متون سعیدی

^۱ سعیدی زبان مردم نواحی سمرقند-امروزه واقع در ازبکستان-و دره زرافشان-امروزه واقع در تاجیکستان-بود. این زبان از مهم‌ترین زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان میانگان (Lingua Franca) جاده ابریشم در سده‌های ششم تا دهم میلادی و زبان اداری، تجاری، و فرهنگی در مناطقی مانند واحه‌های تورفان در ترکستان شرقی بوده است. این زبان که از دیرزمان ابزار ارتباط و پیوند فرهنگ‌های سرزمین‌های شرقی و غربی آسیا بوده است، با رواج زبان فارسی از حدود سده چهارم قمری و با فرمان‌روایی امرای فارسی زبان در خراسان و ماوراءالنهر از یک سو، و نفوذ زبان عربی و ترکی از دیگر سو رفته‌رفته از اهمیت افتاد. اما تا سده هفتم قمری/سیزدهم میلادی به مثابه زبان محاوره به حیات خود ادامه داد. امروز بازمانده‌ای از این زبان در دره رودخانه زرافشان در شمال کوه یغناغ در جمهوری تاجیکستان با نام "گوبیش یغناغی" رواج دارد. برای آگاهی بیشتر بنگرید به زهره زرشناس، *زبان و ادبیات ایران باستان* (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴)، ۷۹-۸۸.

Zohreh Zarshenas, "Divine Knowledge and Benevolence," *Iran Namag*, Volume 4, Number 3-4 (Fall/Winter 2019), 43-49.

زهره زرشناس <zzarshenas@gmail.com> (دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران، ۱۳۶۵) عضو هیئت علمی و استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سردبیر نشریه *زبان‌شناخت* است. در کنار مقالات متعدد، برخی از آثار ایشان عبارت‌اند از *زبان و ادبیات ایران باستان*، *دستنامه سعیدی*، *درآمدی بر ایران‌شناسی*، *میراث ادبی و روایی در ایران باستان*، *نامه خاتون ارگی و یک صدونوزده پاره‌نوشتار سعیدی*، و *قصه‌هایی از سغد*.

بودایی،^۲ سغدی مانوی،^۳ و سغدی مسیحی^۴ تقسیم می‌کنند.

متن‌های دینی سغدی به احتمال بسیار به دورانی مابین سده‌های هشتم و یازدهم میلادی تعلق دارند. این متن‌ها در مهاجرنشین‌های سغدی در واحه تورفان و در دون‌هوانگ، در جنوب شرقی تورفان، به رشته تحریر درآمده‌اند و از وجود چند دین در آن دوران و در آن جوامع حکایت دارند. این آثار از نظر تنوع و حجم مهم‌ترین بخش ادبیات زبان‌های ایرانی میانه شرقی^۵ را تشکیل می‌دهند و موجودیت آنها حاصل ترجمه آثاری است که به دست ادیبان روحانی مانوی، مسیحی، و بودایی صورت گرفته است.

نوشته‌های مسیحیان به زبان سغدی شاهی بر فعالیت‌های تبلیغی موفقیت‌آمیز هیئت‌های مذهبی مسیحی نستوری در آسیای مرکزی است. تمامی دست‌نوشته‌های سغدی مسیحی از دیر ویران‌شده‌ای در بولایق در شمال تورفان به دست آمده است و به مجموعه تورفان تعلق دارد.^۶ این کتابخانه به نسبت مکانی که آثار مانوی از آنجا به دست آمده‌اند، کمتر ویران شده و بدین سبب، بخش‌های بنیادی بسیاری از دست‌نوشته‌های سغدی مسیحی به دست ما رسیده است. تاریخ نخستین ترجمه‌های متن‌های مسیحی به زبان سغدی هم‌زمان با دوران نخستین مهاجرت‌های نستوریان ایران به آسیای مرکزی، یعنی دوران سلطنت یزدگرد دوم ساسانی (۴۳۸-۴۵۷ م) است، گرچه تعیین تاریخ دقیق این ترجمه‌ها امکان‌پذیر نیست.

از آنجا که متن‌های سغدی مسیحی معمولاً دارای اصل سریانی یا دارای نسخه‌های متناظر در زبان سریانی و گاه یونانی و با هویت مشخص‌اند، حتی قطعات کوچک سغدی مسیحی را نیز از نظر زبان‌شناختی می‌توان به آسانی بررسی و تجزیه و تحلیل کرد.

^۲ برای آگاهی از آثار سغدی بودایی بنگرید به زهره زرشناس، *شش متن سغدی* (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰)، ده-سیزده.

^۳ برای آگاهی از آثار سغدی مانوی بنگرید به زرشناس، *شش متن سغدی*، هشت-نه.

^۴ برای آگاهی از آثار سغدی مسیحی بنگرید به زرشناس، *شش متن سغدی*، نه-ده.

^۵ زبان‌های ایرانی میانه شرقی، از نظر تاریخی، در فاصله زمانی میان سده‌های نخست تا سیزدهم میلادی/ هفتم قمری و از نظر جغرافیایی به سبب مهاجرت‌های برخی قبایل ایرانی در منطقه‌ای از دریای سیاه تا ترکستان چین رواج داشته است. سغدی، خوارزمی، بلخی، و سکایی مهم‌ترین این زبان‌ها بودند. بنگرید به زهره زرشناس، *زبان و ادبیات ایران باستان*، ۷۹.

^۶ Nicholas Sims-Williams, "Sogdian," in *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. Astrid Schmitt (Wiesbaden: Herausgegeben von Rudiger Schmitt, 1989), 175, no. 24.

دست‌نویس‌های سغدی مسیحی مجموعه C₂ مشتمل بر ۱۲۰ طومار و بیش از ۷ هزار سطر نوشته سغدی و از جمله متن‌های دینی سغدی‌اند.

در میان متن‌های سغدی مسیحی مجموعه C₂، که از زبان سریانی به زبان سغدی ترجمه شده‌اند، مطالب گوناگونی نظیر زندگی‌نامه قدیسان مسیحی، موعظه‌ها، تفاسیر، و کلمات قصار مشاهده می‌شود.^۷

دست‌نوشته شماره ۶۱ (روی برگ، سطرهای ۲۱-۳۰)، از میان متن‌های مجموعه C₂، برای ترجمه به زبان فارسی انتخاب شده است. این دست‌نوشته ترجمه بخشی از مجموعه Apophthegmata Patrum "گفتارهای پدران، پند^۸ پیران"^۹ به زبان سغدی است که به صورت پرسش و پاسخ‌هایی (پرسش برادری روحانی از پدری روحانی) درباره زندگی روحانی و معنوی مطرح شده است. مجموعه Apophthegmata Patrum مشتمل بر متن‌هایی است که به گفتارها و حکایت‌های راهبان و زاهدان خلوت‌گزینی می‌پردازد که در سده‌های نخستین میلادی در بیابان‌های مصر می‌زیستند.^{۱۰} نسخه‌های متعددی از این اثر به زبان سریانی^{۱۱} و زبان‌های یونانی، لاتینی، قبطی و ارمنی در دست است. سیمز ویلیامز با مقایسه این نسخه‌ها افتادگی‌های متن سغدی را تکمیل کرده است.^{۱۲}

در اینجا نخست حرف‌نویشت متن سغدی و پس از آن برگردان فارسی متن را آورده‌ایم.

^۷ سیمز ویلیامز متن‌های سغدی این مجموعه را همراه با نسخه‌های متناظر سریانی آنها منتشر کرده است. بنگرید به

Nicholas Sims-Williams, *The Christian Sogdian Manuscript c₂* (Berlin: Akademie Verlag, 1985).

^۸ در زبان فارسی واژه "پند" مترادف واژه "اندرز" و به معنای "نصیحت، صلاح‌گویی و موعظه" است. بنگرید به فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه پند.

^۹ گفتارها و حکایت‌هایی که در این مجموعه بزرگ آمده‌اند، کتاب چهارم *Paradise of the Fathers* (بهشت پدران) نانیشو (Nānišo) را پدید می‌آورد. از این کتاب نسخه‌ای به زبان عربی نیز در دست است. بنگرید به Dom Cuthbert Butler (ed.), *The Lausiatic History* (Cambridge: Cambridge University Press, 1898), vol. 1, part 2, 83, no. 1.

^{۱۰} Nicholas Sims-Williams, "Apophthegmata Patrum," in *Encyclopaedia Iranica*, ed. Ehsan Yarshater (New York: Mazda Publication, 1987), vol. 2, 161.

^{۱۱} برای آگاهی بیشتر بنگرید به

Anton Baumstark, *Geschichte der Syrischen Literatur* (Bonn: A. Marcus und E. Webers Verlag, Albert Ann, 1922), 202, no. 6.

^{۱۲} Sims-Williams, *The Christian Sogdian Manuscript c₂*, 124-126.

21: (br)'t c'nw pcppty γrb'qy' pr mrtxmw ptry c'nw nyž.y

22: mrtxm:y byy pšy(s')[]pr (f)ršt w žy'wr. Pcppty pryw by'nyq

23: šyr'qty'. 't (wyny) [šw]'mc (z)'wrqyn bwt pr zprt w't.'t c'nw

24: (žyš)t(') ny'sy wfcmbd wyd'γty ptb:ydyty pr w'tmync nwy mrtxmy:.

25: nwe šw'mc. qy sqyp'r xcy cn fcmbdy ry:m. 't θf:yžt yxypty

26: m'ny šy'tr šw'mc nyznty' br't fr(y)t't pr()cw γrb't bwt ptry'

27: p(r)qty:', qrwn'mntw 't pr w'tm(ync) š(m)'r' 't pr wrny (pt)z'n br't

28: qd'myt x(n)t qtyt ptry by'[nyqt frm]('n) ty wyc(y) 't d'r['mnt](y) pr

29: zprcyqy' br't 't wyspy q[y pry](š)ty. xcy cn qty': m[s p](rγ) š(ty)

30: xcy cn fr(y)t'ty: ptry' ny qt' [bw]t qt xwny: qy by' n[yq xcy]

برگردان فارسی متن سغدی^{۱۳}

۲۱: برادر: "چگونه دانایی مرد را روشن کند [= بر مرد واقع شود]؟"

پدر: "چون بیرون شودی

۲۲: مرد در پی بغ^{۱۴} با راستین دل [= هنگامی که انسان با صداقت به دنبال خداوند برود]، دربرگیرد او را بغانی

^{۱۳} برگردان فارسی، واژه به واژه، مطابق متن سغدی است و صورت نحوی زبان سغدی تا حد امکان حفظ شده است و عبارت روان تر داخل نشانه [=] آمده است.

^{۱۴} سغدیان از واژه کهن βαγ (صورت باستانی: βαγα- به معنای "بغ، خداوند") در زبان استفاده می کردند. بنگرید به

۲۳: نیکی [= رحمت ایزدی بر وی واقع می‌شود]. روش او زورگین شود با روح پاک
[= با همراهی روح القدس طریقت او نیرومند می‌شود]. چون

۲۴: زشت گیری جهان را، در آن هنگام دریابد روحانی نومردم

۲۵: نو روش را که بالاتر است از ریم جهان [= هنگامی که از این جهان بیزاری
جوید، آن‌گاه به طریقت نوین زندگی معنوی انسان نو، که از ناپاکی این جهان برتر
است، پی می‌برد] و اندوزد در خویش

۲۶: دل^{۱۵}، نیکوتر روش فروتنی را [= در ذهن خود به فروتنی روش عالی تر زندگی
دست می‌یابد].

برادر: "دوستداری با چه می‌تواند دانسته شود [= عشق را از چه طریقی می‌توان
شناخت]؟" پدر:

۲۷: "با کردنِ کردار و با اندیشهٔ روحانی و با دانشِ باور [= از طریق انجامِ اعمال و
تفکر معنوی و شناختِ ایمان]." برادر:

۲۸: "کدام‌ها هستند کرده‌ها [= اعمال کدام‌اند]؟" پدر: "فرمان‌های بغانی داشتن
به استواری، به

۲۹: پاکی [= نگاهداری احکام الهی با استواری و خلوص]. "برادر: "و هر که بازداشته
است از کردار، نیز بازداشته

۳۰: است از دوستداری [= آیا کسی که از عمل محروم است از عشق نیز محروم
می‌شود]؟"

پدر: "ممکن نیست^{۱۶} که آنکه بغانی است [= امکان ندارد کسی که سرشت الهی
دارد]...^{۱۷}"

^{۱۵} در زبان سغدی: m'n به معنای "دل، جان، ذهن" از ریشهٔ man به معنای "اندیشیدن" آمده است؛ در
زبان سانسکریت manas به معنای "دل، جان و اندیشه" از همان ریشه آمده است. بنگرید به
Monier Monier-Williams, *A Sanskrit-English Dictionary* (Oxford: Oxford University Press,
1974).

^{۱۶} متن سغدی: فعل مضارع سوم شخص مفرد، ساختار توانشی مجهول به معنای "نمی‌تواند انجام داده
شود". برای ساختار توانشی بنگرید به زهره زرشناس، "ساختار توانشی در زبان سغدی و بلوچی"، در
زن و واژه، به کوشش ویدا نداف (تهران: فروهر، ۱۳۸۵)، ۶۰-۶۵.
^{۱۷} دنبالهٔ مطلب از بین رفته است.

به طور کلی، ادبیات اندرزی^{۱۸} در مشرق‌زمین سابقهٔ دیرینه‌ای دارد و بخش مهمی از ادبیات پهلوی را متن‌های حکیمانه و اخلاقی تشکیل می‌دهد که به اندرزنامه‌ها مشهورند. برای نمونه، از دینکرد ششم و اندرز‌آذرباد مارسپندان می‌توان نام برد.

بخشی از ادبیات سغدی نیز اعم از مانوی و بودایی و مسیحی به این گونهٔ (ژانر) ادبی اختصاص یافته است. مضمون پندها و اندرزها معمولاً دربارهٔ مشاهدات، دوراندیشی و تدبیر، و مسایل اخلاقی است و بخشی از اصول عقاید و آموزه‌های دینی نیز به همراه این اندرزها انتقال می‌یابند. این متن‌ها معمولاً دارای سبکی ساده و روان با جمله‌های کوتاه، روشن و مستقل‌اند. واحد کلام جمله است و معمولاً تلاشی برای ادامهٔ مطلب صورت نمی‌گیرد. در طول زمان، اندرزهایی که صبغهٔ مذهبی کمتری داشته‌اند یا کلمات قصار و قصه‌های اخلاقی که جنبهٔ حکمت عملی و تجربی داشته‌اند به ادبیات پس از اسلام راه یافته و با ظرافت به حیات خود ادامه داده‌اند. دو مجموعهٔ *جاویدان خرد* و *اندرزهای مَرَدک* نمونه‌هایی از این دست و مجموعه‌های اندرزی منسوب به حکیمان ایرانی‌اند.^{۱۹}

بخشی از متن سغدی که در اینجا به زبان فارسی برگردانده شد، از نمونه‌های روشن اندرزهای دینی مسیحی است که به صورت پرسش و پاسخ تنظیم شده است.^{۲۰} در این متن بر کم‌توجهی به امور دنیایی و پرداختن به امور روحانی تأکید شده است که یکی از مشخصات گونهٔ ادبی اندرز به شمار می‌آید.^{۲۱}

معمولاً در این پرسش و پاسخ‌ها به صورتی غیرمستقیم اندرزهای تجربی و مسائلی عملی زندگی و اخلاق عمومی مطرح می‌شود.

اما در این متن اندرزی، که در زمرهٔ اندرزهای دینی مرتبط با دین مسیحیت

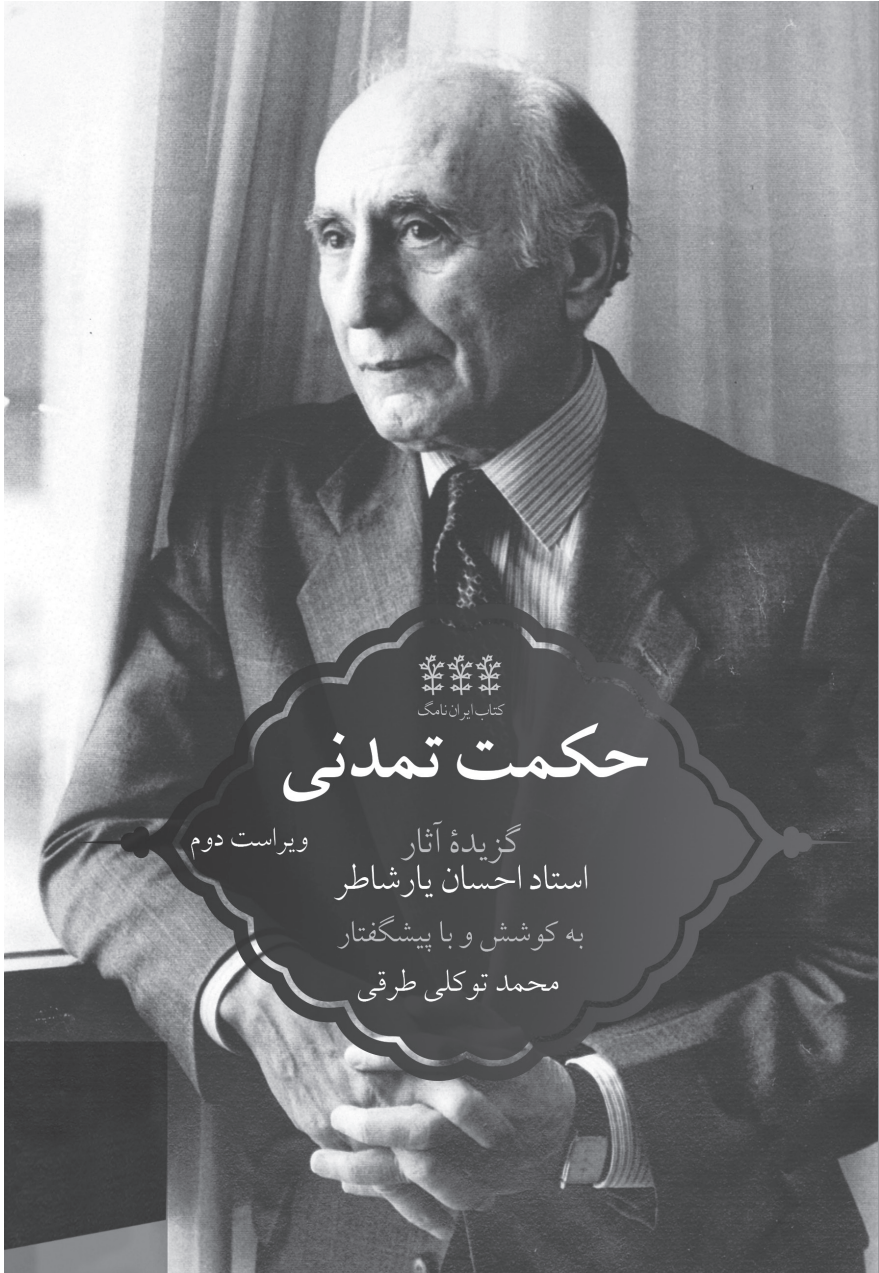
^{۱۸} واژهٔ "اندرز" فارسی (فارسی میانه: handarz) بیشتر بر گفته‌ها و سخنان حکیمانه‌ای اطلاق می‌شود که غالباً بزرگی برای راهنمایی فرزند یا شاگرد، مؤمنان، عامهٔ مردم یا صاحبان شغل و منصبی خاص فرموده باشد. بنگرید به کتابیون مزداپور، *اندرزنامه‌های ایرانی* (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۶)، ۱۱.

^{۱۹} برای اندرزنامه‌های پهلوی در کتاب‌های دوران اسلامی، بنگرید به احمد تفضلی، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار (تهران: سخن، ۱۳۷۶)، ۲۰۲-۲۱۳.

^{۲۰} دادستان مینوی خرد (Dādestān ī mēnōg ī xrad) به معنای "حکام و آرای روح عقل" نمونهٔ جالب توجهی از اندرزنامه‌های پهلوی است که به همین صورت پرسش و پاسخ تدوین شده است.

^{۲۱} Ahmad Tafazzoli, "Dādestān ī Mēnōg ī Xrad," in *Encyclopaedia Iranica*, vol. 6, 554-555; Sh. Shaked "Andarz and Andarz Literature in Pre-Islamic Iran," in *Encyclopaedia Iranica*, vol. 2, 14; Mary Boyce, 1968: "Middle Persian Literature," *Handbuch der Orientalistik, Abt. 1, Bd. 4. Abs 2: Literature, Lief. 1*, ed. B. Spuler et al. (Leiden, 1968), 53.

محسوب می‌شود، پرداختن به امور روحانی و زشت و پلید دانستن جهان مادی مستقیماً و به صراحت بیان شده است و در واقع پیروی از احکام الهی—آن‌گونه که در دین مسیح بیان شده است—و اجرای بی‌قید و شرط آنها یگانه راه دستیابی به نیکی بغائی (= رحمت خداوند) به شمار آمده است.



کتاب ایران نامک

حکمت تمدنی

ویراست دوم

گزیده آثار
استاد احسان یارشاطر
به کوشش و با پیشگفتار
محمد توکلی طرقی